اخبار

عراقچی خطاب به مکرون:

مردم فرانسه خواهان تغییرات بنیادین هستند

سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه با انتشار پیامی در شبکه ایکس نسبت به اظهار نظر اخیر امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه که علت آشوب‌های اخیر در این کشور را قیمت بالای سوخت ناشی از جنگ آمریکا علیه ایران توصیف کرده است، واکنش نشان داد.
عراقچی با ضمیمه کردن پیام مکرون به ترامپ در حمایت از جنگ علیه ایران، نوشت: «آقای مکرون زمانی زمینه را برای این وضعیت فراهم کرد که به رئیس‌جمهور آمریکا اطمینان داد از جنایات علیه ایرانیان استقبال می‌کند.»
وزیر خارجه در ادامه نوشت: «دیگر برای فرافکنی و مقصر دانستن جنگی که امثال او در ایجاد آن نقش داشتند، خیلی دیر شده است.
مردم فرانسه خواهان تغییرات بنیادین، از جمله تضمین آزادی تجمعات هستند. آقای رئیس‌جمهور، به صدای آینده فرانسه گوش بدهید.»

احضار سفیر آلمان به وزارت امور خارجه

سفیر آلمان در تهران به وزارت خارجه کشورمان احضار شد. در پی تکرار اتهام‌زنی‌های مقامات آلمانی علیه ایران، «اکسل دیتمان»، سفیر آلمان در تهران، توسط علیرضا یوسفی، دستیار وزیر و مدیرکل غرب اروپا به وزارت امور خارجه احضار و اعتراض شدید جمهوری اسلامی ایران نسبت به رویکرد سخیف برخی مقامات آلمانی در قبال ایران به وی ابلاغ شد. یوسفی تأکید کرد طرح اتهامات امنیتی علیه ایران شیوه دیرینه رژیم صهیونیستی و برخی کشورهای غربی علیه ایران بوده است. مدیرکل غرب اروپای وزارت امور خارجه خاطرنشان کرد: پوشش قضایی دادن به ادعاهای بی‌اساس سیاسی نه تنها اعتباری برای این ادعاها فراهم نمی‌کند بلکه موجب بی‌اعتباری دستگاه قضایی آلمان می‌شود.
مدیرکل غرب اروپای وزارت امور خارجه همچنین به سفیر آلمان اطمینان داد شگرد مقامات آلمانی در متهم‌سازی ایران با هدف تحت‌الشعاع قرار دادن مسئولیت دولت آلمان در همراهی و مشارکت در تجاوز نظامی آمریکایی-صهیونیستی علیه ایران، به هیچ عنوان باعث تردید ایران در پیگیری مسئولیت بین‌المللی دولت آلمان به‌خاطر مشارکت در ارتکاب جنایات جنگی صورت گرفته در جریان تجاوز نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران نخواهد شد.

عاصم منیر، فرمانده ارتش پاکستان روز گذشته با مقامات ارشد کشورمان دیدار کرد

مأموریت میانجیگر در تهران

در شرایطی که مذاکرات میان تهران و واشنگتن به بن‌بست رسیده است، این سفر از خیز مجدد تحرکات دیپلماتیک برای یافتن راهی جهت مهار تنش حکایت دارد

گزارش

فیلد مارشال عاصم منیر، فرمانده نیروهای مسلح پاکستان روز گذشته به تهران آمد و با مقام‌های بلندپایه کشور از جمله وزیر امور خارجه دیدار کرد. عاصم منیر به‌عنوان یکی از چهره‌های محوری میانجیگری میان تهران و واشنگتن در شرایطی به تهران آمد که بن‌بست در مذاکرات ایران و آمریکا و افزایش دوباره احتمال تشدید رویارویی نظامی، ضرورت فعال کردن دوباره کانال‌های دیپلماتیک را به یکی از مهم‌ترین اولویت‌های رایزنی‌های منطقه‌ای تبدیل کرده است. سفر او که با هدف گفت‌وگو درباره پرونده‌های مهم دیپلماتیک و امنیتی انجام شد، ادامه تلاش‌های اسلام‌آباد برای جلوگیری از بازگشت بحران به مرحله تقابل نظامی است، اما زمان‌بندی آن بویژه همزمانی با تحرکات دیپلماتیک مسکو در تهران، بر اهمیت این مأموریت و پیچیدگی معادلات پیش رو افزوده است.
عاصم منیر در ماه‌های گذشته به‌تدریج از یک مقام ارشد نظامی پاکستانی به یکی از بازیگران مؤثر در معادلات دیپلماتیک پیرامون بحران ایران و آمریکا تبدیل شد؛ روندی که با اوج‌گیری تنش‌های نظامی در جریان جنگ ۴۰ روزه شتاب گرفت و او را در موقعیتی قرار داد که بتواند از ظرفیت سیاسی و امنیتی پاکستان برای برقراری ارتباط میان دو طرف استفاده کند.
او با اتکا به جایگاه بانفوذ خود در ساختار قدرت اسلام‌آباد، وارد مسیر میانجیگری شد و سفرهای مکرر به تهران را در دستور کار قرار داد که اکنون با تداوم تنش‌ها میان تهران و واشنگتن و دشوارتر شدن چشم‌انداز توافق، بیش از گذشته به آزمونی برای ظرفیت دیپلماسی منطقه‌ای پاکستان تبدیل شده است.
اهمیت این سفر زمانی روشن‌تر می‌شود که در نظر بگیریم حضور اخیر منیر، پنجمین سفر رسمی فرمانده ارتش پاکستان به تهران از زمان برقراری آتش‌بس پس از جنگ ۴۰ روزه است که قرار بود زمینه‌ای برای مهار بحران و بازگشت تدریجی طرفین به مسیر مذاکرات فراهم کند اما با نقض تعهدات از سوی واشنگتن با چالش‌های جدی روبه‌رو شد و بار دیگر احتمال گسترش تنش‌های نظامی را افزایش داد.

> اهمیت این سفر زمانی روشن‌تر می‌شود که در نظر بگیریم حضور اخیر منیر، پنجمین سفر رسمی فرمانده ارتش پاکستان به تهران از زمان برقراری آتش‌بس پس از جنگ ۴۰ روزه است که قرار بود زمینه‌ای برای مهار بحران و بازگشت تدریجی طرفین به مسیر مذاکرات فراهم کند اما با نقض تعهدات از سوی واشنگتن با چالش‌های جدی روبه‌رو شد و بار دیگر احتمال گسترش تنش‌های نظامی را افزایش داد

با این حال، آنچه به سفر منیر وزن بیشتری می‌بخشد، همزمانی آن با سفر سرگئی لاوروف، وزیر خارجه روسیه به تهران است.
سفر این مقام روسی، یک روز پیش از ورود فرمانده ارتش پاکستان انجام شد و علاوه بر بررسی مناسبات دوجانبه تهران و مسکو، موضوع تحولات منطقه‌ای و راهکارهای کمک به کاهش بحران میان ایران و آمریکا را نیز دربر داشت.
همزمانی این دو سفر، در شرایطی که مذاکرات میان تهران و واشنگتن به بن‌بست رسیده است، از خیز مجدد تحرکات دیپلماتیک برای یافتن راهی جهت مهار تنش حکایت دارد.
در همین چارچوب، روزنامه پاکستانی «داون»، سفر عاصم منیر به تهران را بخشی از تلاش‌های اسلام‌آباد برای جلوگیری از تشدید تنش‌ها و ادامه میانجیگری میان ایران و آمریکا ارزیابی کرده است؛ برداشتی که با مواضع اعلام شده مقام‌های نظامی پاکستان نیز همخوانی دارد.
«ژنرال احمد شریف چودری»، سخنگوی ارتش پاکستان، یک روز پیش از سفر منیر تأکید کرد که کشورش به تعامل با طرف‌های ذی‌ربط و شرکای منطقه‌ای خود ادامه خواهد داد تا با مهار تنش‌ها و جلوگیری از گسترش درگیری، زمینه لازم برای پیشرفت‌های دیپلماتیک فراهم شود.
سخنگوی ارتش پاکستان همچنین با اشاره به تداوم تعاملات دیپلماتیک اسلام‌آباد با تهران طی ماه‌های گذشته، توضیح داد که محور اصلی این تماس‌ها بر ضرورت خویشتنداری و جلوگیری از تشدید درگیری متمرکز بوده است.
او با هشدار درباره پیامدهای استمرار خصومت‌ها تأکید کرد که ادامه رویارویی می‌تواند تلاش‌ها برای دستیابی به صلحی پایدار را از مسیر اصلی خود منحرف کند و به همین دلیل، تعاملات سیاسی و مذاکرات باید برای جلوگیری از افزایش تنش و محدود نگه داشتن دامنه جغرافیایی و نظامی درگیری، ادامه یابد.
در این فضا، دیپلماسی ضرورتی برای جلوگیری از گسترش بحران و مهار پیامدهای آن برای امنیت منطقه‌ای است.

گره اصلی تنش

این سفر در حالی انجام شده است که با افزایش ناامنی در پیرامون تنگه هرمز و نوسان شدید قیمت نفت طی هفته‌های گذشته، نگرانی‌های منطقه‌ای درباره امنیت مسیرهای حیاتی انتقال انرژی افزایش یافته و ضرورت یافتن راهی برای جلوگیری از گسترش بحران را بیش از پیش حائز اهمیت کرده است.
در چنین شرایطی، تلاش اسلام‌آباد برای احیای کانال‌های دیپلماتیک با موانعی فراتر از توقف مذاکرات و افزایش تنش‌های نظامی روبه‌رو است.
این موانع ریشه در اختلاف تهران و واشنگتن بر سر چارچوب توافق احتمالی و تقدم و تأخر موضوعات مورد مذاکره دارد؛ مذاکراتی که با وجود ماه‌ها پیگیری، تاکنون نتوانسته‌اند اختلافات بنیادین دو طرف را برطرف کنند و اکنون در مرحله‌ای قرار دارند که حتی درباره نقطه آغاز و ترتیب رسیدگی به مسائل نیز توافق روشنی وجود ندارد.
گره اصلی مذاکرات، علاوه بر اختلاف بر سر محتوای توافق، به تفاوت در تعریف اولویت‌های دو طرف بازمی‌گردد؛ به‌گونه‌ای که واشنگتن بر ضرورت گنجاندن پرونده هسته‌ای ایران در چارچوب هر گونه توافق برای پایان دادن به بحران تأکید دارد، در حالی که تهران خواهان تعیین تکلیف وضعیت تنگه هرمز و محدودیت‌های دریایی در مسیری مستقل از مذاکرات هسته‌ای است.
این اختلاف، در عمل مذاکرات را با دو برداشت متفاوت از مسیر خروج از بحران مواجه کرده است: آمریکا با تکرار مواضع ادعایی و تهدیدآمیز خود سعی دارد موضوع هسته‌ای را در کانون ترتیبات سیاسی آینده قرار دهد اما ایران بر این مبنا حرکت می‌کند که مسائل مرتبط با امنیت دریایی و محدودیت‌های اعمال شده در این حوزه، نمی‌تواند تا زمان دستیابی به توافقی درباره پرونده هسته‌ای بلاتکلیف بماند.
در نتیجه، تلاش دوباره پاکستان برای احیای کانال دیپلماسی در حالی به جریان افتاده است که باید دید می‌توان پیش از حل اختلاف بر سر دستور کار مذاکرات، زمینه‌ای مشترک برای ازسرگیری گفت‌وگوها ایجاد کرد.

هشدار قطر درباره بحران نظامی احتمالی

در ادامه تلاش‌های دیپلماتیک کشورهای منطقه برای جلوگیری از گسترش بحران میان ایران و آمریکا، وزارت خارجه قطر با تأکید بر ضرورت حل‌وفصل مسالمت‌آمیز اختلافات اعلام کرد که مذاکره تنها مسیر قابل اتکا برای حفظ امنیت و ثبات منطقه است و دستیابی هر چه سریع‌تر به راه‌حل، می‌تواند از تشدید تنش‌ها و گسترش پیامدهای آن جلوگیری کند.
با وجود این تأکیدها بر ضرورت دیپلماسی، مواضع تهدیدآمیز دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا علیه ایران همچنان ادامه دارد و همین مسأله چشم‌انداز کاهش تنش‌ها را با ابهام مواجه کرده است.
در تازه‌ترین تحول، نماینده ایران در سازمان ملل متحد طی نامه‌ای به شورای امنیت، تهدید آمریکا به استفاده از بمب «مادر همه بمب‌ها» یا «MOAB» علیه ایران را محکوم کرد و هشدار داد که تهدید حمله به زیرساخت‌های غیرنظامی و هدف قرار دادن زیرساخت‌های انرژی کشور، نقض فاحش حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود.

سخنگوی وزارت خارجه در نشست خبری مطرح کرد

ایران از برگزاری نشست با کشورهای حاشیه خلیج فارس حمایت می‌کند

گزارش

اسماعیل بقایی سخنگوی وزارت امور خارجه اعلام کرد که تهران از برگزاری نشست مشترک ایران و کشورهای حاشیه خلیج فارس استقبال می‌کند. بقایی روز گذشته در نشست خبری با نمایندگان رسانه‌های داخلی و خارجی پاسخگوی پرسش‌های مطرح شده درباره جدیدترین تحولات سیاست خارجی بود. او درباره وضعیت جاری در مناسبات میان ایران و کشورهای عربی و پیرامون ابتکار عراق برای برگزاری نشست مشترک ایران و کشورهای حاشیه خلیج فارس گفت: «ما همواره برای گفت‌وگو و تعامل با کشورهای منطقه آمادگی داشته‌ایم. آخرین مورد نیز پیشنهاد برگزاری نشست سلاله در عمان بود که دیگران در آخرین لحظات مانع برگزاری آن شدند.» وی افزود: «پیشنهاد برگزاری نشست مشترک کشورهای حاشیه خلیج فارس به‌علاوه ایران و عراق، از مدت‌ها قبل مطرح بوده است. یک مورد از این نشست‌ها نیز در حاشیه یکی از نشست‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد برگزار شد. دوستان عراقی همواره این ایده را پیگیری کرده‌اند و ما نیز از آن حمایت کرده‌ایم». سخنگوی وزارت امور خارجه تأکید کرد: «همچنان معتقدیم این پیشنهاد خوبی است و به‌طور کلی از هرگام و پیشنهادی که در راستای تقویت اعتماد میان کشورهای منطقه باشد، حمایت می‌کنیم»

بازنشر موضع قطر نشانه حسن نیت ایران بود

اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه درباره واکنش قطر به بازنشر موضع این کشور درباره اهداف حملات ایران و طرح اتهام برخورد گزینشی از سوی تهران گفت: «ایران با قطر مراودات خوبی دارد و بازنشر این موضع، نشانه حسن نیت جمهوری اسلامی ایران بوده است.» وی افزود: «مقام‌های قطری در یک سند رسمی اعلام کرده بودند که ضربات دفاعی ایران صرفاً علیه اهداف و پایگاه‌های نظامی آمریکا بوده است. بنابراین، ایران اقدام نادرستی انجام نداده و به‌جای برجسته کردن برخی اتهام‌های ناروا، موضعی واقعی و صادقانه را که از سوی خود قطر مطرح شده بود، بازنشر کرده است.» بقایی با بیان اینکه مقام‌های قطری باید از این اقدام استقبال کنند، تصریح کرد: «هم بیان این موضع از سوی قطر و هم بازنشر آن از سوی ایران قابل توجه است و به اعتقاد من، این موضوع جای گله ندارد.»

برش

ایران مانع درج دو بند درباره یمن شد

بیانیه پایانی شورای وزیران سازمان همکاری اسلامی، مهم‌ترین مصوبه این نشست بود. آقای عراقچی دو ساعت پیش از تصویب بیانیه تأکید کرد که «نباید در متن بیانیه مباحثی درج شود که موجب تفرقه و انشقاق در کشورهای اسلامی شود». اشاره ایشان مشخصاً به موضوع یمن بود. ما موضع خود را با جدیت بیان کردیم و در نهایت نیز مانع از درج دو بند مشخص درباره موضوع یمن شدیم؛ بندهایی که به اعتقاد ما، ادبیات به‌کاررفته در آن‌ها به هیچ عنوان در راستای مصالح امت اسلامی نبود.

ایران در قبال کشورهای منطقه بزرگوارانه رفتار کرده است

سخنگوی وزارت امور خارجه در واکنش به بیانیه پایانی نشست وزیران امور خارجه شورای همکاری خلیج فارس در منامه که در آن ادعاهایی علیه ایران مطرح و بر پرداخت خسارت از سوی تهران، رسیدگی به موضوع هسته‌ای ایران و ازسرگیری گفت‌وگوهای ایران و آمریکا تأکید شده بود، گفت: «انتظار داریم مقام‌های کشورهای حوزه خلیج فارس درباره چنین حمله به کشور به‌عنوان تجاوز نظامی، واقعیت را تغییر نمی‌دهد.

عدم گفت‌وگو با روسیه درباره غنی‌سازی

سخنگوی وزارت امور خارجه درباره سفر سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه نیز به تهران و ادعاهایی مبنی بر اینکه محور اصلی این سفر مذاکرات ایران و آمریکا بوده است، گفت: «ایران از مواضع اصولی خود عدول نکرده است، چراکه این مواضع در راستای تأمین منافع ملی کشور قرار دارد.» بقایی با اشاره به اینکه سفر لاوروف از مدت‌ها قبل در دستور کار بوده است، اظهار کرد: «این سفر در چارچوب رایزنی‌های مستمر میان دو کشور انجام شد و در جریان دیدارها، موضوعات مختلف مرتبط با منافع ملی ایران و روسیه مورد بحث قرار گرفت.»
سخنگوی وزارت امور خارجه همچنین با اشاره به موضع روسیه درباره کاهش تنش‌ها گفت: «مسکو همواره اعلام کرده است که برای کمک به کاهش تنش‌ها هر اقدامی را که بتواند انجام خواهد داد و ایران نیز از رویکرد مثبت و سازنده روسیه در این زمینه قدردانی کرده است.»

دلیل فنی توقف تردد در مرزهای ایران و پاکستان

بقایی همچنین در پاسخ به پرسشی درباره تداوم توقف تردد در گذرگاه‌های مرزی ایران و پاکستان با اشاره به ادامه صادرات از سوی ایران و توقف تردد در طرف مقابل، تأکید کرد که مسأله پیش‌آمده به مشکلات فنی مربوط است و طرف پاکستانی نیز از ابتدا این موضوع را به تهران اطلاع داده است. وی با ابراز اطمینان از حل مشکل مرزی تصریح کرد: «مقام‌های پاکستانی اعلام کرده‌اند که برای رفع مسائل موجود و انجام به‌روزرسانی‌های فنی در حال اقدام هستند.»
بقایی در پایان خاطرنشان کرد: «موضوع توقف تردد در مرزها طی روزهای اخیر در تماس‌های تلفنی مطرح شده است و در صورت سفر مقام‌های پاکستانی به ایران یا سفر مقام‌های ایرانی به اسلام‌آباد، این مسأله در اولویت گفت‌وگوهای دو طرف قرار خواهد گرفت.»

> سخنگوی وزارت امور خارجه درباره سفر سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه نیز به تهران و ادعاهایی مبنی بر اینکه محور اصلی این سفر مذاکرات ایران و آمریکا بوده است، اظهار کرد: «ایران از مواضع اصولی خود عدول نکرده است، چراکه این مواضع در راستای تأمین منافع ملی کشور قرار دارد»

نتانیاهو و ترامپ به‌دنبال منافع شخصی در سیاست خارجی

یادداشت

مهران کامروا
استاد و مدیر مرکز مطالعات بین‌المللی و منطقه‌ای (CIRS) در دانشگاه جورج‌تاون قطر

با اوج‌گیری تنش‌های نظامی میان ایران، آمریکا و اسرائیل و افزایش احتمال بروز دور تازه‌ای از درگیری، شناخت منطق تصمیم‌گیری رهبران دو طرف، بویژه بنیامین نتانیاهو و دونالد ترامپ برای ارزیابی تحولات پیش‌رو اهمیت ویژه‌ای دارد. بررسی رفتار سیاسی این دو نشان می‌دهد که تصمیمات احتمالی آنان را نمی‌توان صرفاً بر اساس محاسبات متعارف سیاسی تحلیل کرد. ملاحظات انتخاباتی، منافع شخصی، هزینه‌های اقدام نظامی و ارزیابی از توان بازدارندگی ایران، متغیرهایی تعیین‌کننده در این معادله‌اند. همچنین باید میان چشم‌انداز کوتاه‌مدت منازعه ایران و اسرائیل و روندهای بلندمدت تاریخی تمایز قائل شد؛ زیرا عوامل تشدیدکننده بحران در مقطع کنونی، لزوماً سرنوشت روابط دو طرف را در بلندمدت تعیین نمی‌کنند. تحولات پیش و پس از هفتم اکتبر ۲۰۲۳ نشان می‌دهد که محاسبات متعارف سیاسی درباره بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل الزاماً صدق نمی‌کند. به بیان دیگر، نمی‌توان الگوهای تحلیلی رایج در عرصه سیاست را بدون توجه به ویژگی‌های رفتاری او به کار گرفت. اقدامات نتانیاهو، همانند رفتارهای ترامپ از منطق خاصی پیروی می‌کند که ممکن است با انتظارات معمول از تصمیم‌گیرندگان سیاسی همخوان نباشد. ازاین‌رو، تحلیل رفتار او مستلزم توجه همزمان به اهداف سیاسی، ملاحظات شخصی و ارزیابی‌اش از پیامدهای احتمالی تصمیمات نظامی است.
اگر نتانیاهو به این جمع‌بندی برسد که برای حمله به ایران می‌تواند چراغ سبز ترامپ را دریافت کند یا چنین اقدامی موقعیت انتخاباتی او را به‌طور قابل‌توجهی تقویت خواهد کرد، نمی‌توان احتمال حمله را منتفی دانست. این احتمال باید در ارزیابی تحولات پیش‌رو جدی گرفته شود. اطمینان دارم فرماندهان نظامی ایران نیز از این واقعیت آگاه‌اند و احتمال اقدام نظامی نتانیاهو را در محاسبات خود لحاظ می‌کنند. بااین‌حال، وجود انگیزه برای حمله به معنای قطعی بودن تصمیم به اجرای آن نیست؛ زیرا محاسبات مربوط به منافع احتمالی تنها بخشی از فرآیند تصمیم‌گیری هستند و ارزیابی هزینه‌های واکنش متقابل نیز در این میان نقش مهمی دارد. درواقع، نتانیاهو ناگزیر است پیامدهای تلافی ایران و حمله متقابل به اسرائیل را نیز در محاسبات خود وارد کند. چنین واکنشی ممکن است هزینه‌های سنگین‌تری برای او به همراه داشته باشد تا اینکه اساساً از حمله صرف‌نظر کند. بنابراین، پرسش اصلی این است که آیا اقدام نظامی علیه ایران در نهایت به سود موقعیت سیاسی و انتخاباتی او خواهد بود یا پیامدهای آن، دستاوردهای احتمالی او را تحت‌الشعاع قرار خواهد داد. واکنش ایران می‌تواند هزینه سیاسی تصمیم نتانیاهو را افزایش دهد و او را با وضعیتی مواجه کند که در آن، منافع مورد انتظار از حمله با پیامدهای ناخواسته و پرهزینه آن تناسب نداشته باشد. از این منظر، توان بازدارندگی ایران و ارزیابی اسرائیل از دامنه و شدت پاسخ احتمالی تهران، از متغیرهای مؤثر بر تصمیم‌گیری نتانیاهو به شمار می‌روند.
در تحلیل رفتار ترامپ نیز باید به تفاوت رویکرد او با جو بایدن و حتی کاملا هریس توجه داشت. ترامپ، برخلاف آنان، رویکردی ایدئولوژیک به مسائل بین‌المللی و داخلی آمریکا ندارد. درحالی‌که بایدن، بخش عمده‌ای از دموکرات‌ها و حتی بسیاری از جمهوری‌خواهان با نگاهی ایدئولوژیک به اسرائیل می‌نگرند و روابط واشنگتن و تل‌آویو را در چارچوب جایگاه آمریکا به عنوان رهبر نظام بین‌الملل ارزیابی می‌کنند، ترامپ چنین نگرشی ندارد. برای او، در درجه اول منافع شخصی و پس از آن منافع آمریکا اهمیت دارد؛ منافعی که اولویت‌بندی آنها می‌تواند با تغییر شرایط و در مقاطع مختلف دستخوش تحول شود.
بر همین اساس، رابطه ترامپ و نتانیاهو را نمی‌توان پیوندی ایدئولوژیک تلقی کرد. این رابطه بیش از هر چیز تابع شرایط و تحولاتی است که در هر مقطع شکل می‌گیرند و هر یک از طرفین می‌کوشد از آنها برای تأمین منافع خود بهره بگیرد. کیفیت رابطه شخصی این دو نیز به منافعی بستگی دارد که ترامپ در هر مقطع دنبال می‌کند. بنابراین، نزدیکی شخصی آنان لزوماً به معنای همسویی پایدار در تصمیمات راهبردی نیست و نمی‌توان حمایت آمریکا از اقدام نظامی احتمالی اسرائیل علیه ایران را صرفاً بر مبنای مناسبات شخصی دو رهبر پیش‌بینی کرد. ارزیابی رفتار واشنگتن مستلزم توجه به محاسبات متغیر ترامپ و اولویت‌های او در شرایط گوناگون است.
در مجموع، احتمال تشدید درگیری را باید با در نظر گرفتن ویژگی‌های رفتاری رهبران، ملاحظات انتخاباتی و هزینه‌های بازدارندگی تحلیل کرد. نه انگیزه‌های احتمالی نتانیاهو برای حمله، اقدام نظامی را قطعی می‌کند و نه نزدیکی او به ترامپ، حمایت بی‌قیدوشرط واشنگتن را تضمین خواهد کرد. آنچه اهمیت دارد، ارزیابی پیوسته تغییرات محاسبات دو طرف و تأثیر واکنش احتمالی ایران بر هزینه و فایده تصمیمات آنهاست.